

زنان مقدس قرآنی، بدیلی شناخت شناسانه در برابر زن مسخ شده غربی

سید صدرالدین شریعتی^۱، ندا افشاریان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ترسیم شخصیت و سیمای زنان مقدس قرآنی به عنوان بدیلی شناخت شناسانه در برابر الگوی مسخ شده غربی از زن انجام شد. روش پژوهش اسنادی بود که از طریق بهره گیری از مطالعه کتابخانه‌ای (اسناد و مدارک، مجلات، کتب و مقالات معتبر داخلی و خارجی) به بررسی موضوع مقاله پرداخته شد و ضمن ارائه شواهد تاریخی از وضعیت اسفبار زن در فرهنگ غربی، با اصل قرار دادن قرآن و سیره معصومین علیهم السلام و با استخراج اطلاعات لازم از متون تاریخی و فقهی و در کنار هم قرار دادن آن‌ها، به مقایسه دیدگاه غرب و اسلام به زن و همچنین ترسیم شخصیت و سیمای زنان مقدس قرآنی به عنوان الگوی مطلوب اسلام و جایگزینی شناخت شناسانه برای الگوی مطرح شده غربی، پرداخته شد. نتایج نشان داد که تشریح صفات و ویژگی‌های برجسته زنان مقدس قرآنی همچون حضرت آسیه (س)، حضرت مریم (س)، حضرت خدیجه (س) و حضرت فاطمه زهرا (س) که از جمله ویژگی‌های آن‌ها، تسلیم محض نسبت به خداوند، عبادت، پاکیزگی، تلاش و ایثار در راه تمامی ارزش‌های الهی بوده، می‌تواند به عنوان بدیلی شناخت شناسانه در برابر الگوی غربی از زن که در قالب حقوق بشر زنان در حال نشر است، معرفی شود. از این رو، پیشنهاد می‌گردد نهادهای مسئول از یک سو در ممانعت از انتشار الگوهای غربی درباره موضوع زن و از سوی دیگر در جهت معرفی و شناساندن اندیشه‌های ناب اسلام محمدی (ص) درباره زنان، اهتمام ورزند.

واژگان کلیدی: زنان مقدس قرآنی، زن غربی، حقوق بشر غربی

۱. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)،

پست الکترونیکی: neda.afsharian1364@gmail.com

مقدمه

رویکرد غرب در قبال مسأله زن، بنیاد خانواده را که همواره در طول تاریخ نقشی اساسی در رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن نوع بشر ایفا کرده را در جهت تأمین اهداف نظام سرمایه‌داری هدف قرار داده است به نحوی که نه تنها کارکردهای خانواده، بلکه اصل و تمامیت آن را به چالش کشیده است و با برداشتن تمامی موانع برای جریان یافتن آسان سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه‌ها، نهاد خانواده را نیز دستخوش تغییر و تحول اساسی کرده است. در دستور کار قرار دادن این سیاست تا آنجا مورد تأکید غرب بوده که حتی برخی اندیشمندان غربی همچون مانوئل کاستلز^۱ نیز در آثار خود در صدد تئوریزه کردن تلاش بی وقفه سیاستمداران غربی در تغییر نگرش زنان درباره خودشان و سوق دادن آن‌ها به سوی افزایش خودمختاری و بی‌احساس شدن آن‌ها به مسأله خانواده و نقش مادری و همسری بر آمده‌اند (کاستلز، ۱۳۸۹). این مدعا از طریق ردیابی کم‌رنگ شدن ارزش‌های ازدواج‌های شرعی و قانونی و سست شدن پیوندهای عاطفی بین اعضای خانواده در غرب، ترغیب غیرمنطقی زنان به استقلال‌طلبی و خودمختاری و خودکفایی اقتصادی، هرزه‌نگاری و استفاده جنسی از زنان، زایمان‌های بدون ازدواج و ورود انبوه زنان به بازار کار مزدبگیر، قابل اثبات است (به پژوه، ۱۳۸۶). بدیهی است که جهت‌گیری غرب و نوع نگاه غرب به موجودیت زن، بیشترین هجمه‌اش را بر روند تربیتی زنان و دختران جوامع بشری از طریق تغییر در کارکرد اقتصادی خانواده تحت عنوان خوش‌رنگ و لعاب حقوق زن و یا حقوق بشر زنان وارد کرده است؛ به طوری که می‌توان گفت از یک سو با قطعه‌بندی جنسیتی بازار کار و فراهم نمودن زمینه حضور زنان در بازار کار، به دنبال کم‌اهمیت جلوه دادن مسئولیت‌های خانوادگی زنان است و از سوی دیگر، در صدد ایجاد بی‌ثباتی در نهاد خانواده به نفع کسب سود و منافع کاسبکارانه نظام سرمایه‌داری است (افروز، ۱۳۸۳). با این اوصاف به صراحت می‌توان چگونگی تشریح و تبیین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۱. Manuel Castells

زنان در نظام حقوقی غرب و مدعیان حقوق بشر و اسناد بین‌المللی با محوریت حقوق زن را مورد سؤال قرار داد.

آنچه مسلم است این است که جایگاه والای خانواده به عنوان با هویت‌ترین نهاد اجتماعی از دیرباز و خصوصاً قرون اخیر موقعیت و مقام ممتازی را در بین کلیه موسسات حقوقی نوین و کهن احراز کرده است (شیخی، ۱۳۸۰). اهمیت خانواده در مجادله بی‌امان و مستمر تاریخ ملت‌ها به حدی است که هیچ‌یک از مکاتب سیاسی، اجتماعی و فلسفی از پرداختن به آن بی‌نیاز نبوده‌اند. از نخستین روزهای پیدایی بشر بر عرصه خاک و اولین شگفتی‌های اندیشه بشری در گستره عظیم تاریخ خرد و آگاهی، خانواده و حقوق مربوط به آن همواره بخش قابل توجهی از اشتغالات فکری انسان‌ها را تشکیل می‌داده است. در این وانفسایی که پارادایم غربی حقوق بشر که در خدمت مطامع نظام سرمایه‌داری قرار گرفته و به اشکال مختلف بر کشورهای منتقد غرب فشارهای سیاسی وارد می‌کند و اینک که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به برکت انقلاب اسلامی، کوثر زلال وحی و عترت تمامی عطش زدگان را به خودمی‌خواند و دنیا، دین مبین اسلام را به عنوان یکی از مکاتب پیشرفته، پذیرفته و تقریباً در تمامی دانشگاه‌های جهان، اسلام به عنوان یک دین الهی و مکتب علمی و فلسفی مورد بررسی قرار می‌گیرد، ضروری است تا پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی در برابر تفکرات غلط و منحط غرب در قبال مسأله زن، رویکرد مترقی دین مبین اسلام به شأن و جایگاه زن را به دنیا نشان داده و با تشریح ریشه‌های فکری تئورسین‌های غربی در مسأله زن، و همچنین معرفی زنان مقدس قرآنی به عنوان نمونه زن کامل، زمینه‌ساز کشیدن خط قرمز بر تفکرات منحط غربی در سایر ملل آزاد جهان را فراهم آورند.

جبهه استکبار و ایادی و اذانب آن‌ها به پشتوانه فکری نخستین تئورسین سیاسی خود یعنی ارسطو، که به حق می‌توان او را نخستین تئورسین سیاسی دانست که هم به استثمار و هم به استعمار بین‌الملل مشروعیت داده و نژادپرستی و ستمگری را تئوریزه کرده (فرهادی، ۱۳۹۰) و مردان را بر زنان برتر می‌دانست (ارسطو، ۱۳۵۸)، در عصر حاضر با تکیه بر ابزارهای پیشرفته ارتباطی سعی در معرفی زن مسخ شده غربی به عنوان الگوی

مطلوب زنان، به زنان و دختران جوامع اسلامی را دارند، لذا ضرورت دارد تا به منظور پیشگیری از بروز تبعات این تلاش مذبحانه غرب، با معرفی و سرمشق قراردادن زنان الگو و مقدس قرآنی، به عنوان بدیلی شناخت‌شناسانه مسیری روشن در جهت حفظ عفت، پاکدامنی، کرامت نفس و طی درجات و کمالات واقعی برای زنان و مردان جوامع بشری ایجاد گردد.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف معرفی و بررسی ویژگی‌های زنان مقدس قرآنی، و ایجاد زمینه لازم برای پیاده‌سازی و نهادینه کردن این ویژگی‌ها در جامعه و الگوگیری زنان مسلمان و به ویژه زنان و دختران ایرانی از زنان مقدس قرآنی انجام شد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، اسنادی و از نوع کتابخانه‌ای بود. از این رو با راهنمایی الگوی برگرفته از نظریات ارایه شده، اطلاعات لازم را از متون تاریخی و فقهی استخراج و با در کنار هم قرار دادن آن‌ها و با اصل قرار دادن قرآن و سیره معصومین علیهم السلام به بررسی و ترسیم شخصیت و سیمای زن در دین مبین اسلام و ارائه الگوی زن مقدس قرآنی پرداخته شد.

بررسی تاریخی سیمای زن در تاریخ ملل گوناگون. در زمان جاهلیت نه تنها زن را انسان نمی‌دانستند بلکه او را موجود ضعیف و ناتوان به حساب می‌آوردند و با وی همچون حیوان رفتار می‌کردند. زن در میان ملل قبل از اسلام، حد وسط بین انسان و حیوان بود و از او مانند انسان ضعیفی که باید به انسان‌های متوسط کمک کند استفاده می‌شد (مکنون و صانع پور، ۱۳۷۴). اعراب جاهلیت دختران خود را زنده به گور می‌کردند، به آن‌ها ارث نمی‌دادند و هیچ‌گونه احترامی برای آنان قایل نمی‌شدند تا اینکه خورشید اسلام از پشت ابرهای تاریک عربستان طلوع کرد، و پیامبر اکرم (ص) اولین کاری که بعد از اعلام کلمه توحید کرد این بود که از این عادت شوم اعراب جلوگیری و به دختران و زنان احترام گذاشت و حقوق آن‌ها را محترم شمرد. فیلسوف معروف فرانسوی «گوستاویلوبون» در مورد وضعیت زن در جاهلیت می‌نویسد: "اعراب، زن را یک مخلوق پست و فرومایه خیال

می کردند، که فایده وجودیشان تنها در خدمت خانه بودن و تکثیر نسل است" (دورانت، ۱۳۹۱: جلد ۲). استاد علامه طباطبائی در این مورد می نویسد: "در قبائل دور از تمدن (مانند وحشیان آفریقا، استرالیا و جزائر مسکونی اقیانوسیه و اهالی بومی آمریکای قدیم)، زندگی زنان نسبت به مردان، مانند زندگی چهارپایان و سایر جانوران اهلی نسبت به انسان بوده است" (طباطبائی، ۱۳۸۴: جلد ۲). موقعیت زن در ملل به اصطلاح متمدن نیز بهتر از موقعیتش در میان ملل غیر متمدن و وحشی نبود، بلکه زن مانند حیوانی اهلی در اختیار مرد بود و حتی او را پست تر از حیوانات تلقی می کردند زیرا معتقد بودند که در وجود او نوعی "شرم" و شیطنت نهفته است و وی عنصر گناه و باعث همه بدبختی‌ها و گرفتاری‌هاست. پس از این مقدمه، لازم است به بیان نمونه‌هایی از وضعیت زن در میان اقوام و ملل مختلف و در اعتقاد پیروان ادیان گذشته پرداخته و سپس دیدگاه دین مبین اسلام در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد.

زن در هند. در آیین بودا طبق تعلیمات سیدارتا، زندگی زناشویی آکنده از شهوت و کثافت دنیوی بوده و تولید نسل، گناه محسوب می شد. هنگامی که آناندا یکی از شاگردان بودا، از استادش می پرسد با زن چگونه رفتار کنیم؟ در پاسخ می شنود که: از او برحذر باش. همچنین در این آیین زن را همچون نهنگ مخوفی می شناسند که در رود زندگی، منتظر می نشیند تا شناوری را طعمه و شکار خویش سازد. در آیین و فلسفه "جینی" که ریاضت‌های سخت و ترک دنیا و حتی خودکشی، از جمله اصول آن‌هاست زنان مصدر ناپاکی‌های گوناگون و مصیبت‌های فراوان معرفی می شوند. در قانون "مانو" که از جمله قوانین حقوقی هند باستان است زنان حق دخالت در هیچ کاری را نداشته و همچون کودکان، نیازمند به سرپرست می باشند. از جمله اعمال شوم هندوها سوزاندن زنان به همراه اجساد شوهرانشان است که این عمل شنیع تا یک قرن پیش هم در هندوستان متداول بوده و هنوز هم عده‌ای از متعصبین هندی در نقاط دور دست این کار را انجام می دهند (صدر، ۱۳۸۵).

زن در بابل. هرودت می گوید: "کسانی که دختران قابل شوهر کردن داشتند، سالی یک بار آن‌ها را به مکان‌های خاصی می بردند و به شرط زناشویی، آن‌ها را می فروختند. البته

خریداران آن‌ها را به ترتیب زیبایی می‌خریدند. همچنین بابلی‌ها در هنگام محاصره شدن، زنان خود را خفه می‌کردند تا در آذوقه صرفه‌جویی شود و در مواقع تنگدستی دختران خود را برای فسق و فجور در معرض عموم قرار می‌دادند تا از این راه پول به دست آورند (دورانت، ۱۳۹۱: جلد ۱). بنابراین بابلی‌ها هیچگونه ارزشی برای دختران و زنان قائل نبودند و آن‌ها را چون حیوانی پست می‌شمردند.

زن در اعتقاد یهودیان. در کتاب تلمود که شرح تورات است، آمده است که: زن تا چهل روز بعد از زائیدن یک پسر و تا هشتاد روز بعد از زائیدن یک دختر، نجس است و مقاربت با او حرام است؛ یهودیان زن را فاقد روح می‌دانستند زیرا در تورات سفر پیدایش در مورد خلقت آدم نوشته شده است که خداوند در بینی او روح حیات دمید و سپس او را خواب نموده و از دنده او بود که زن آفریده شد و در تفسیر آن گفته‌اند که چون در زن روحی دمیده نشد پس زنان فاقد روحند و معتقدند که علت قدرت زن بر حرکت کردن این است که موجودی به نام "بعل زبول" در زن حلول کرد و او را به حرکت در آورد، همچنان که روح مرد را نیرو بخشید و به حرکت در آورد. بنابراین زن چون از مرد به وجود آمده، دارای وجود مستقلی نبوده و همواره تابع مرد نخواهد ماند (وکیلی، ۱۳۹۰). در باب سوم سفر پیدایش شرح داده شد که شیطان در بهشت حوا را به خوردن میوه ممنوعه فریب داد و سپس حوا آن میوه را به آدم خورداند و همین امر سبب خروج آنها از بهشت شد و چنین استنباط می‌کنند که زن موجب بدبختی بشر گردید و گرنه آدمیان همیشه در بهشت می‌ماندند. از اینرو، زن را موجودی پست و هم‌ردیف شیطان می‌دانند زیرا سبب فریب آدم شد (نقبایی، ۱۳۴۲).

زن در مسیحیت. در انجیل شریف آمده است که: زنان باید در سکوت و کمال فروتنی تعلیم ببینند و نباید به آن‌ها اجازه داده شود که به دیگران تعلیم بدهند یا بر مردان حکومت کنند. زیرا اول آدم آفریده شد و بعد حوا و آن کسی که فریب خورد و قانون الهی را شکست، حوا بود نه آدم (انجیل شریف، ۱۹۸۱؛ به نقل از وکیلی، ۱۳۹۰). در جای دیگر همین کتاب آمده است که مردان از زنان آفریده نشده‌اند بلکه زن از مرد به وجود آمده، همچنین مرد به خاطر زن آفریده نشد بلکه این زن بود که برای مرد خلق شد (همان). در

انجیل هم مانند تورات جملات تندی نسبت به زنان ابراز شده است و خفت و خواری بی‌شماری را برای آنان قائل شده‌اند مثلاً "پولس رسول" در نامه اول خود به "تیموتاؤس" در باب ۲، آیه ۱۲ می‌نویسد که اجازه نمی‌دهیم زن بر شوهرش مسلط شود زیرا اول آدم آفریده شد و در نامه ابقرنتیان باب ۱۱، آیه ۷ نوشته است زن برای مرد آفریده شده نه بالعکس (وکیلی، ۱۳۹۰).

با نگاه اجمالی به تاریخ ملل و ادیان تحریف شده متوجه می‌شویم که در اکثر جوامع زن را موجودی وابسته و محتاج که هیچ‌گونه استقلالی از خود ندارد، دانسته و او را تابع مرد و همسان با حیوانات می‌پنداشتند. تولد دختر برای آن‌ها ننگ و عار بود و هنگام قحطی، اولین قربانیان آن‌ها به شمار می‌رفت و زن را انسان ضعیفی می‌دانستند که اگر زندگی به دست آورد و از قید بندگی آزاد شود، از شر فساد او نمی‌توان در امان بود و او را وسیله‌ای برای دفع شهوت و تولید مثل می‌دانستند. به طور کلی می‌توان گفت که آن‌ها هیچ‌گونه ارزشی برای زن قائل نبودند و او را چون حیوان پست و حقیری می‌دانستند.

تنها در رابطه با حق مالکیت زنان، به گواهی ویل دورانت (۱۳۹۱)، "انگلستان نخستین قدم برای آزادی زنان را در سال ۱۸۸۲ برداشت که البته، این آزادی مالی، حربه‌ای از سوی کارخانه‌دران مجلس عوام بود تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها کشانده و از آن سال تا به امسال، آنان را از بندگی و جان‌کندن رها نکرده، گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه و کارخانه کنند". و یا در ایتالیا، قانون ۱۹۱۹ میلادی زن را از شمار محجوران خارج کرد. در قانون مدنی آلمان (۱۹۰۰ م) و در قانون مدنی سوئیس (۱۹۰۷ م) زن مثل شوهر خود اهلیت دارد (دوست محمدی، ۱۳۸۸).

همانگونه که اعداد و ارقام نشان می‌دهد از نخستین قانون استقلال مالی زن در مقابل شوهر (۱۸۸۲) در انگلستان، حدود ۱۳۴ سال می‌گذرد و این در حالی است که اسلام در ۱۴۳۸ سال پیش همراه با ظهور خود، این قوانین را وضع کرد و انواع و اقسام ارتباطات مالی و اقتصادی را برای زن بلامانع دانست و به او استقلال و آزادی کامل داد تا در اموال شخصی خود هرگونه دخل و تصرف نماید.

این در حالی است که بر اساس تعالیم قرآن، مالک حقیقی همه کائنات خداوند است: «برای خداوند است مُلک آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آن‌هاست» (مائده، ۲۰). و خداوند ب عنوان مالک همه هستی از جمل انسان، حق مالکیت را به او بخشیده است. به عنوان مثال فرموده است: «و برای زنان نصیبی است از آنچه اکتساب کردند» (النساء، ۳۲). واژه «اکتساب» برای به دست آوردن مالی است که نتیجه‌اش متعلق به خود شخص به دست آورنده است (مکارم، ۱۳۷۷). طبق این آیه زنان حق تملک و تصرف در اموال و دارایی‌های خود را دارند. همچنین حق مالکی زنان را از آیاتی که خداوند سبحان به طور عام دستور پرداخت زکات می‌دهد (بقره، ۲۷۷؛ مائده، ۵۵؛ حج، ۷۸) و نیز آیه‌ای که پرداخت زکات را از ویژگی‌های زنان مؤمن دانسته (توبه، ۷۱) و یا صدقه را از صفات آنان بر شمرده (احزاب، ۳۵)، استنباط کرد. لذا اسلام نه تنها زن را مالک اموالش می‌داند، بلکه او را شایسته اداره اموال خود دانسته و حق انعقاد عقود مالی از خرید، فروش، هبه و اجاره، وقف و رهن و ... را به او داده است (مطهری، ۱۳۹۰).

حال، چگونه ممکن است فرهنگ‌های غربی و مدعیان حقوق بشر در غرب با آن پیشینه و نگاه سخیف به کرامت انسانی زن که تنها در سده‌های اخیر برای زنان ارزش قائل شده‌اند و آن هم ارزشی که ریشه در نگاه جنسیتی و مادی‌گرایانه به زنان دارد و عمده این تفکرات منبعث و ریشه در دیدگاه‌های متکثر فمینیستی (فمینیسم لیبرال، مارکسیست، رادیکال، سوسیالیست، اگزیستانسیالیست، روانکاوانه و فمینیست‌های پست مدرن) دارد، نسخه حقوق بشر و حقوق زن را بنویسند و آن را وحی منزل قلمداد کرده و ملت‌ها را با انواع و اقسام فشارهای سیاسی ملزم به رعایت آن کنند؟ رواج فمینیسم در غرب مهر تأییدی است بر پیشینه منحط و جهان‌بینی سخیف غربی درباره زنان، که البته خود فمینیسم نیز بر پایه دیدگاه‌های غیر اخلاقی و غیر انسانی درباره تساوی حقوق زن و مرد بنا شده است. به نحوی که راهبردهایی فمینیسم در رفع تبعیض از زنان بر پایه تربیت انسان‌های دو جنسیتی، رواج همجنس‌گرایی، کم‌رنگ شدن ارزش‌های ازدواج‌های شرعی و قانونی، سست شدن پیوندهای عاطفی بین اعضای خانواده، ترغیب غیر منطقی زنان به استقلال طلبی و خودمختاری و خودکفایی اقتصادی، عدم اهمیت بکارت، زایمان‌های بدون ازدواج و ورود

انبوه زنان به بازار کار مزدبگیر، توسل به تکنولوژی تولید مثل، منسوخ کردن خانواده و مادری، تلاش برای انقلاب جنسی و حذف تمامی جنبه‌های مؤنث بودن، جداسازی زنان با مردان و ترویج حس خواهری بین زنان و نهایتاً سیاسی کردن زندگی خصوصی قابل اثبات است (مشگی، ۱۳۹۱).

با این اوصاف آیا مکتب مادی و غیرالهی غرب با آن نگاه کاسب کارانه و اقتصادی که به دنبال بهره جنسیتی از زنان است صلاحیت تبیین جایگاه و منزلت زن را دارد؟ آیا پژوهشگران مسلمان نباید نسبت به تبیین جایگاه زن از دیدگاه اسلام، قرآن و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) اهتمام ویژه داشته باشند؟ در مقام اهمیت این مقوله همین بس که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پیشنهاد ایجاد مرکز فراقوه‌ای برای تبیین امور زنان را ضروری دانسته‌اند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

محل هیچ تردیدی نیست که الگوی غربی به بهانه رعایت حقوق بشر و به صحنه آوردن زن، همواره به دنبال برهنگی زن بوده و تلاش دارد تا زنان دست از خانواده بردارند (بستان، ۱۳۸۲). از این رو، نگاه به زن در مکتب غرب تنها در مسئله جنسیتی خلاصه شده است. غرب به دنبال بی‌حجابی و برهنگی زنان بوده و همچنین می‌خواهد همجنسگرایی، بی‌حجابی و برهنگی را به یک قانون اجباری تبدیل کند و در این بین ابزارهای مختلفی را برای از بین بردن این سد بزرگ پیش‌بینی کرده و با تمامی قوای مالی، فکری و ایده‌پردازی سیاسی-اجتماعی و روانشناختی خود جنگ عظیمی را علیه خانواده به راه انداخته که از جبهه‌های مختلفی همچون فمینیسم، تحرکات ضد اجتماعی، تبلیغ انزوا و زندگی مجردانه، تبلیغ همجنس‌بازی، حیازدایی، عادی نشان دادن عدم پایبندی به موازین اخلاقی، تبلیغ بی‌بندوباری هدایت می‌شود. رواج پورنوگرافی در غرب شاهد مثال این ادعاست.

هرزه‌نگاری یا پورنوگرافی پدیده‌ای است که به وسیله آن زنان طعمه‌های جنسی تولیدکنندگان کالاهایی نظیر پوشاک و لوازم تزئینی و آرایشی و مصرف‌کنندگان این کالاها هستند (احمدی، ۱۳۸۴). لذا غرب به دنبال استفاده کالایی و ابزاری از زنان به عنوان یک موضوع و کالای جنسی است به نحوی که هزلیات جنسی، زنان را به شکل اشیاء

جنسی برای مردان در می‌آورد که به گرایش‌های جنسی مردان خدمت کنند. در بسیاری از کشورهای غربی و مدعی حقوق بشر، فحشا یک شغل برای زنان در نظر گرفته شده و به وسیله سایر نهادهای اجتماعی پذیرفته شده است. دولت‌ها در بسیاری از این کشورها از زنان در راستای تأمین نیازهای جنسی جهانگردان بهره می‌برند. تجاوز زندان‌بان‌های آمریکایی به زنان زندانی، تجاوز نظامیان آمریکایی و اسرائیلی به زنان نظامی، به نمایش گذاشتن بدن زنان در تبلیغات فروش کالاها و استثمار زنان به انحاء مختلف در این کشورها نمونه‌هایی از نوع نگاه غرب به زن است (به پژوه، ۱۳۸۶). چنین اعمال و افکاری معتقدین به نجابت و عفت و پاکی و مسئولیت اخلاقی در برابر خداوند را به مسخره می‌گیرد و زنان و مردان و کودکان را استثمار کرده جایگاه انسانی آن‌ها را متزلزل و شرافت و حقوق آن‌ها را چپاول می‌کند.

نظام سرمایه‌داری غرب با گسترش وسایل ارتباط جمعی، دسترسی آسان به محتوای جنسی را به منظور یک تهاجم هرزه‌پردازانه مقدور کرده است و در راستای اهداف سرمایه‌داری با برداشتن تمامی موانع برای جریان یافتن آسان سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه‌ها، نهاد مقدس خانواده را هدف قرار داده است (مشگی، ۱۳۹۱). به نحوی که امروزه در فرهنگ غربی، زن تحت عنوان موجودی که به ابزار جنسی در اختیار سرمایه‌داری غربی تبدیل شده است، بازنمایی می‌شود. جنسیت زن در غرب بر انسانیتش می‌چربد و به شرط برهنگی پذیرفته می‌شود و اگر بخواهد شرافت خود را حفظ کند باید عرصه عمومی را ترک کند و اگر بخواهد نقش اجتماعی، علمی و سیاسی ایفا کند باید از عفت و طهارت خود صرف‌نظر کند (موحدی، ۱۳۸۰).

به هر حال شواهد تجربی موجود، حاکی از آن است که در حکومت‌های دیکتاتوری و متحد غرب و داعیه‌داران دموکراسی غربی چه در زمان جنگ و چه در هنگام صلح، حقوق بشر زنان هر روزه و اغلب به طور سیستماتیک نقض می‌شود. از نفی حق رأی یا به قدرت رسیدن زنان گرفته تا تجاوزهای جنسی علیه زنان توسط پلیس، سربازان، همکاران و اعضای خانواده‌شان که نمونه‌های آن در آمریکا و رژیم منحوس و غاصب اسرائیل به وفور دیده شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متأثر از نظام اومانیستی حاکم بر

غرب اعلام می‌کند: "کلیه افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از نظر حقوق و منزلت با هم مساوی هستند" (به نقل از امیرعباسی، ۱۳۹۱). اما هنوز آزادی منزلت و برای زنان پیوسته به وسیله قانون و رسوم آنان، مورد مساحمه قرار می‌گیرند. وقتی دولت‌های غربی سوء استفاده کنندگان از حقوق زنان را می‌بخشند و یا تأیید می‌کنند چگونه نمی‌توان پذیرفت که آن‌ها خود مسئول نقض حقوق زنان در حوزه‌های فرهنگی و حقوقی نباشند. رواج و نهادینه شدن این فرهنگ منحط باعث شده تا امروز از یک سو زن غربی با تروریسم به شکل تجاوز جنسی در خیابان‌ها و در محیط کار، جایی که تحمل مزاحمت جنسی شرطی برای دریافت حقوق ماهانه است، روبرو باشد و از دیگر سو، داوطلبانه کیلومترها سفر کند تا در جهاد نکاح گروه تکفیری داعش که خود ساخته دست استکبار جهانی، آمریکا، رژیم جعلی اسرائیل و دیگر مرتجعین منطقه است؛ شرکت کند. در این شرایط اسف‌باری که امروز از وضعیت زن غربی مشاهده می‌شود، تشریح و شناساندن نگاه فاخر اسلام به واژه مقدس زن جایگزینی بی‌بدیل در برابر الگوی سخیف غربی به جهانیان است.

بررسی جایگاه زن در آیین اسلام. در روزگاری که دنیا در آتش جهل و ستم می‌سوخت و جوامع مختلف بشری گرفتار انحراف‌های گوناگون بود، گروهی از روی شهوت، زن را معبود خویش ساخته و گروهی دیگر از روی غفلت او را حیوان می‌پنداشتند و هرگونه تعدی را بر او روا می‌داشتند؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) برای خاتمه بخشیدن به انحراف‌ها و کجی‌ها و پندارهای غلط، از طرف خداوند متعال مبعوث، و با تعالیم ابدی خود از یک سو خط بطلان بر روی افکار جاهلی بشر کشید و از سوی دیگر راه‌های فضیلت و رستگاری را به آن‌ها نشان داد (مکنون و صنایع‌پور، ۱۳۷۴). پیامبر رحمت (ص) با تعالیم عالی‌اش به مردم فهماند که زن از دیدگاه اسلام، انسان و جزء پیکره اجتماع است. وی در ابتدای دعوت این حقیقت را به تمام دنیای بشریت اعلام داشت که: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳) یعنی: ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زن آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست و خداوند بر ظاهر و باطن خلق آگاه است. بنابراین از نظر قرآن کریم

همین‌طور که مردان انسانند و جزئی از پیکره جامعه انسانی محسوب می‌شوند، زنان نیز چنین هستند و در این امر کوچکترین تبعیضی در بین نیست. همچنین در قرآن کریم "آزادی اراده" و "استقلال عمل" زن به نحو صریحی بیان شده است تا همه بدانند که زن موجودی استثنایی و "طفیلی" و "تابع" و در همه حال محتاج به ولایت و قیومت مرد نیست، بلکه در هر بابی به استثنای حالات جسمی و روحی که مقتضی احکام خاص است در سایر احکام عمومی و اجتماعی با مردان مشترک است. از دیدگاه اسلام زن دارای کرامت و ارزش معنوی بسیار والاست، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/۳۵) یعنی همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و زنان و مردان با ایمان و اهل اطاعت و عبادت و راستگویی و مردان و زنان صابر و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند بر همه آن‌ها پاداش و مغفرتی عظیم است. از اینرو، زن مسلمان از کلیه مواهب زندگی اجتماعی برخوردار بوده و می‌تواند در کلیه چهارچوب قوانین و موازین اسلام و در تمام شئون اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی فعالیت نماید و از امنیت لازم برخوردار باشد. بنابراین اسلام زن را از چاه عمیق زبونی و ناشناسی و ناسپاسی خارج ساخت و همدوش و هم پایه مردان قرار داد و او را آیتی از آیات خداوندی شناخت. به راستی پیامبر اسلام (ص) منت عظیمی بر بشر خصوصاً بر زنان عربستان گذاشت و نه فقط زن را از یک مرگ رقت آور و فجیع نجات بخشید بلکه به او حق حیات اجتماعی و اخلاقی داد در اغلب حقوق با مرد مساوی گردید و دختری را که چون چهارپایان معامله و مبادله می‌شد، حق تملک و خرید و فروش بخشید (صدر، ۱۳۸۵).

با این الهیات غنی، آیا رواست که نظام حقوقی متعالی اسلام درباره نوع بشر که مبتنی بر آیات قرآن کریم، روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و آراء اندیشمندان مسلمان است و بر اساس آن، زنان مانند مردان از حقوق اساسی و اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند، تحت فشارهای سیاسی و منحنی غرب در مبانی حقوق بشر باشد؟

قرآن کریم افکار جاهلی و غلط ملل و ادیان مختلف در مورد زن را نکوهش کرد و برای زنان ارزش و احترامی همسان با مردان قائل شد و هرگز زن را تحقیر نکرد. بلکه ملاک برتری هر یک از زن و مرد را در تقوی و پرهیزگاری قرار داد.

اسلام اولین مکتبی است که قائل به تساوی حقوق زن و مرد در استقلال، حق مالکیت و سرشت انسانی برای زن شده بلکه نخستین منادی بزرگ آزادی زن است (وکیلی، ۱۳۹۰). اسلام در گام نخست، آفرینش زن را از نشانه‌های خداوند سبحان معرفی می‌کند، او را مانند یک گوهر می‌داند، شأن و منزلت او را فراتر و فروتر نمی‌داند، ملاک برتری انسان را در علم و تقوی می‌داند، رفتار ناشایست اعراب را در زنده به گور کردن دختران بی‌گناه نکوهش می‌کند، و با طرح سؤال به کدامین گناه کشته شده؟ نفس لوامه آن‌ها را به عرصه داوری می‌کشد و آن‌ها را به جنایتشان آگاه می‌سازد، به پیامبر اکرم (ص) دختر عطا می‌کند و او را کوثر می‌نامد و سرزنش‌کنندگان جاهل را ابتر می‌خواند (جعفری، ۱۳۴۴ق). «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» یعنی "ای پیامبر اسلام ما تو را کوثر بخشیدیم، پس تو هم برای خدا به نماز و قربانی پرداز، که محققاً دشمن بدگوی تو مقطوع النسل است" (کوثر/۱ تا ۳). هر کجا مردان بزرگ را ستایش می‌کند، نامی هم از زنان بزرگ می‌برد و آنان را ستایش می‌کند. از حضرت آدم و ابراهیم و همسرانشان، از عیسی و موسی و مادرانشان و از فرعون و همسر شایسته‌اش آسیه یاد می‌کند، از سلیمان و ملکه سبأ و از حضرت یوسف پاکدامن و زلیخای بنده شهوت نام می‌برد، زنان قهرمان را می‌ستاید، تفاوت‌های موجود را در ویژگی‌های طبیعی آن‌ها تلقی می‌کند، مزایای هر یک را متمایز از دیگری توصیف می‌کند، هرگز سبب را بر گلابی ترجیح نمی‌دهد و قائل به این است که تفاوت‌ها در نوع تکلیف است نه در اینکه زن را طلیعه وجود مرد قلمداد نماید (مکنون و صانع‌پور، ۱۳۷۴). همان‌گونه که شاعر زنده یاد پروین اعتصامی می‌گوید: "وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی که چیست؟ یکی است کشتی و آن کشتیان".

اسلام زن و مرد را در دو بعد مختلف انسانی و بشری نگریسته است، بعد انسانی در زن و مرد مشترک و یکسان است ولی در بعد بشری که خواص ناسوتی آنهاست با هم اختلاف دارند اختلافی که مکمل ذات و به سود آنهاست (مطهری، ۱۳۹۰).

در بعد انسانی، زن و مرد هر دو به یک اندازه انسانند، یعنی دارای جنبه "خلیفه‌اللهی" هستند و در تعیین سرنوشت و انتخاب راه زندگی به سعادت و یا شقاوت و طی تکامل معنوی، با هم فرقی ندارند، هر دو به یک اندازه مکلف و در پیشگاه خداوند متعال مسؤول هستند، کرامت و منزلت آنان در نزد خداوند همسان است، مگر آنکه تقوای یکی بر دیگری بیشتر باشد چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات/۱۳). یعنی همانا گرامی‌ترین شما در نزد خداوند با تقواترین شماست و در خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا» می‌فرماید: همه، چه زن و مرد باید تقوا پیشه کنند و در ایمان به خدا و قبول دعوت پیامبر اکرم (ص) زن و مرد فرقی ندارند، هر دو به طور یکسان با پیامبر و وحی او بیعت می‌کنند و پیمان رهبری و امامت می‌بندند. و هر دو مأمور به پیروی و اطاعت هستند، زن نیز مانند مرد دین خود را انتخاب می‌کند و تابع هیچ کس نیست، زن نیز همسان با مرد در استفاده از حقوق قانونی خود و استفاده از حق حیات و حفظ شئون اجتماعی و استفاده از مواهب الهی مساوی است. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (بقره/۲۲۸). یعنی: زنان بر مردان حقوق مشروعی دارند چنانکه مردان نیز بر زنان حقوقی مشروع دارند. و هر دو برای سیر تکامل "الی الله" خلق شده‌اند، تا با عبادت که همان تسلیم مطلق شدن در برابر خداست و پیمودن صراط مستقیم که همان دین و نزدیکترین راه به سعادت است به مقام "مثل اللهی" که در حدیث قدسی "عَبْدِي أَطْعَنِي أَجْعَلُكَ مِثْلِي" ای بنده من مرا اطاعت کن تا تو را همچون خود کنم، به آن اشاره شده است، دست یابند و ثواب و عقاب و جنت و نار برای هر دو مساوی است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷). یعنی: هر زن و مردی که کار نیکی را به شرط ایمان به جای آورد ما او را در زندگی تا ابد سعادت‌مند می‌کنیم و اجری بزرگتر از عمل نیکی که کرده به او عطا می‌کنیم. در این آیه مبارکه که همسانی آثار و رهاوردهای دنیایی عمل زن و مرد

مطرح گردیده است، یعنی عمل صالح از هر جنس که باشد چه مرد و چه زن، در سنت الهی پیامد یکسانی دارد و پاداش یکسانی را در آخرت دریافت خواهند کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). استاد مطهری می‌فرماید: اسلام در عین حال که با تبعیضات موجود میان زن و مرد به شدت مبارزه کرده است، از مساوات میان این دو نیز طرفداری نمی‌کند و به عبارت دیگر نه طرفدار تبعیض است، و نه معتقد به تساوی، بلکه می‌کوشد تا در جامعه، هر یک را در جای طبیعی خویش بنشانند، تبعیض را جنایت می‌داند و تساوی را نادرست، طبیعت زن را نه پست‌تر از مرد می‌داند و نه همانند مرد، بلکه طبیعت این دو را در زندگی و اجتماع مکمل یکدیگر سرشته و از این روست که اسلام برخلاف تمدن غرب، طرفدار اعطای حقوق طبیعی به این دو است نه حقوق مساوی و مشابه (مطهری، ۱۳۹۰). دکتر بهشتی می‌فرماید: در اسلام، تکامل و پویایی و رسالت خلیفه الهی انسان مطرح است و پیداست که هیچگاه در این رابطه بین این دو تبعیض روا داشته نمی‌شود و آنچه در جامعه اسلامی "اصالت" و "ارزش" می‌یابد و باعث قرب به سوی خدا می‌شود و برای هر یک از این دو موجود "فضیلت" به شمار می‌رود، همان "تزکیه نفس" و "تقوی" است (محمدی گرمساری، ۱۳۶۰).

در بُعد بشری نیز اگرچه زن و مرد هر دو مصداق کامل بشریت‌اند اما به مقتضای تقسیم مسئولیت و تنظیم کارکرد طبیعی آنها، که هدف عمده‌ای در خلقت است، و به لحاظ رعایت تخصص و وظایف غیرمشترک، میان زن و مرد تفاوت وجود دارد. با اینکه به نص قرآن کریم زن و مرد از یک نفس مشترک آفریده شده‌اند و زن پاره‌ای از آن "نفس" است که مرد از آن آفریده شده است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» (نساء/۱). یعنی ما همه شما را از یک تن آفریدیم و هم از آن جفت او را خلق کردیم...»، و با اینکه در حدیث نبوی آمده است که «إنما النساء شقائق الرجال» یعنی: زنان همزاد مردان هستند. اما این اشتراک به دلیل وحدت طبیعت آنها نیست، بلکه به دلیل اختلاف آنها در نهاد درونیشان می‌باشد. اختلاف فطری زن و مرد دلیل بر آن است که هر یک از آنها دارای ویژگی‌هایی در طبیعت و جسم و

جان خود می‌باشد که در دیگری وجود ندارد. از این رو این دو مکمل یکدیگرند و هر دو برای تکامل و سعادت خود نیاز شدید جسمی و روحی به دیگری دارند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). با شرحی که گذشت مشخص گردید که زنان، به عنوان بخشی از جامعه انسانی در حوزه ایمان و کمال، تفاوتی با مردان ندارند و گاه به چنان مقامی دست می‌یابند که مردان باید از آنان درس تقوا، شجاعت، دیانت و خضوع در برابر پروردگار بگیرند. در این راستا، «آسیه» بانوی نمونه و الگویی برای زن و مرد در نفی ستمگری، شکر و کفر و نیز گرایش به توحید و یکتا پرستی است. همچنین، «مریم»، «یوکابد» و «ساره»، الگوهایی برای جامعه انسانی‌اند و همه از زن و مرد باید از آنان درس معرفت و دین و ایمان بگیرند. ترسیم چهره زنان مقدس قرآنی، برای تبیین ارزش‌های زن مسلمان است و حضرت فاطمه (س) ناب‌ترین الگوی همه زنان نمونه است. زن نمونه، شناختی ارزشی برای همه بانوان است تا با تلاش خود به کسب آن ارزش‌ها نایل شوند؛ و نیز معرفتی است برای همه مردان، تا بدانند الگو شدن در مرد بودن نیست. و آن گاه که زنی «فاطمه (س)» شد، هم برای مردان و هم برای جامعه زنان الگوست و برای همه نیز پیروی از فاطمه ارزشمند است و زنانی که از فاطمه (س) تبعیت می‌کنند، خود نیز نمونه‌هایی از مردم نمونه‌اند که گاه رتبه‌ای بالاتر از مردان می‌یابند و مردان نیز باید از آنان الگو بگیرند.

بورسی سیمای زنان اسوه در قرآن. به نظر می‌رسد قرآن کریم با ذکر مصادیقی چون حضرت فاطمه (س)، حضرت خدیجه (س)، مریم (س) و آسیه (س)، که در حقیقت زنان تربیت شده مکتب الهی هستند و با اطاعت از اوامر الهی به قرب حق تعالی رسیده‌اند در صدد بوده تا به جامعه بشری به طور عام و به زنان به طور خاص بیاموزد که با پیروی از این اسوه‌های فضیلت، می‌توانند توانائی‌ها و استعدادهای بالقوه خود را شکوفا نموده و به کمال واقعی برسند (اسلامی فرد، ۱۳۷۹). نکته قابل توجه این است که از بین زنان مقدس قرآنی تنها نام مریم (س) به صراحت در قرآن کریم ذکر شده و برخی در مقام تبیین این موضوع، بیان کرده‌اند که چون نصارا، حضرت مریم (س) را خدا و معبود شمردند؛ خداوند به دلیل تأکید بر بندگی که صفت حضرت مریم (س) است و پاسخ به برخی شبهات درباره فرزندش حضرت عیسی (ع)، با تصریح به نام، از ایشان در قرآن یاد کرده است و گرنه

همچون دیگر زنان مقدس، با کنایه و یا لقب و نسبتش از او به بزرگی یاد می‌شد (سیوطی، ۱۳۸۶).

۱- حضرت آسیه (س): آسیه در قرآن به عنوان الگویی کامل برای مردان و زنان در مقام ایمان معرفی شده است. ایمان و یکتاپرستی ایشان، چندان عمیق بوده که در قرآن کریم دوبار با اشاره و وصف، بدون ذکر نام و با احترام یاد شده است.

بار اول در آنجاست که داستان برگرفتن حضرت موسی (ع) از شاخه نیل توسط خاندان فرعون به اختصار بیان می‌شود «وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَاتَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا..» (قصص/۹)، «و همسر فرعون گفت این کودک نور چشم من و تو خواهد بود او را نمی‌کشید شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم...» و بار دیگر «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم/۱۱)، «و نیز خداوند درباره مومنان مثلی می‌زند و آن همسر فرعون است که در اوج سختی کشیدن گفت پروردگارا برای من در نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن و از شر فرعون و عمل او مرا رهایی ده و از قوم ستمگر نجاتم بخش.»

مفسران در تفسیر آیه اخیر اشاره کرده‌اند که آسیه به خاطر ثبات قدم در ایمان خود آزارهای بسیاری از دست فرعون کشید به نحوی که سرانجام فرعون دستور می‌دهد تا بر روی او صخره‌ای بیندازند. خداوند به خاطر دعای آسیه روحش را قبض کرد لذا صخره بر روی جسم بی جان او افتاد و نیز گفته‌اند فرعون دستور داد او را به قصد کشت به تازیانه ببندند که به دعای حضرت موسی (ع) به درگاه خداوند او دردی احساس نکرد (خرمشاهی، ۱۳۷۹).

اگر چه آسیه به عنوان ملکه مصر در کاخ فرعون در اوج عزت و احترام می‌زیست و در آن شرایط محیطی می‌توانست از خدا و همه ارزش‌های انسانی غافل شود، لکن از آیات قرآن چنین بر می‌آید که او از همان زمان با خدای یگانه و ارزش‌های والای انسانی آشنا بوده است و شفاعت و میانجیگری او برای نکشتن موسی (ع) هنگام گرفتن وی از آب و

سپس پیشنهاد فرزندی او از منت‌های الهی خداوند به موسی (ع) بوده است (طباطبائی، ۱۳۸۴: جلد ۱۶).

آسیه دل به خدایی داده بود که موسی (ع) را، که خودش پرورش داده بود به مقام نبوت رسانده تا مأمور راهنمایی و هدایت فرعون ستمگر کند. او به خدا و صدق گفتار پیامبرش ایمان داشت و این ایمان قلبی مانع از هراس وی از فرعون شده بود. تا جایی که آسیه (س) نه از این که ملکه نیل است و نه از اینکه همسر فرعون است، خشنود بود (خلیلیان، ۱۳۷۹).

نکته قابل توجه این است که از آیه ۱۱ سوره مبارکه تحریم اینگونه بر می‌آید که آسیه مثلی برای افراد با ایمان است و جامعه اعم از زن و مرد باید از او درس بگیرند. چرا که خداوند متعال در این آیه شریفه نمونه مردم خوب معرفی کرده و می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (تحریم/۱۱)، و هرگز نفرموده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلذَّاتِ امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ». در واقع مثل ایشان را منحصر به زنان نکرده است. آسیه این مقام و فضیلت را در خانه‌ای کسب می‌کند که صاحب آن همواره ادعای خدایی می‌کرد و شعار «مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي» (قصص/۳۸) سر می‌داد. اوج این فضیلت در درخواست آسیه (س) از خداوند متعال نمایان می‌شود. آنجایی که از خداوند قرب الهی و لذت معنوی را طلب می‌کند: «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». یعنی بهشت را در جوار و به خاطر وجود ذات اقدس الهی طلب می‌کند نه صرفاً به خاطر بهشت بودنش. آسیه در ادامه از خداوند متعال طلب می‌کند تا او را از دست فرعون و اعمال فرعون نجات دهد: «وَتَجَنَّبَنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ». عمل فرعون شرک به خدا بود و زیر بار شرک رفتن به جایی می‌انجامد که شخص ادعای ربوبیت می‌کند و آسیه از خداوند خواست تا گرفتار چنین رذیلت اخلاقی نشود. و در نهایت از خداوند متعال رهایی و نجات از قوم ستمگر و اعمال ستمگران را طلب می‌کند: «وَتَجَنَّبَنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ». بنابراین بانویی که این گونه می‌فهمد و درخواست‌هایش تبری و تولی دارد و مسائل اجتماعی و فردی را از ذات الهی مستثنت می‌کند. اسوه جامعه و مردم است نه الگوی زنان فقط» (جوادی آملی، ۱۳۷۹).

۲-حضرت مریم (س): حضرت مریم (س) در قرآن به عنوان اسوه عفاف و پاکدامنی معرفی شده است. قرآن ۳۴ مرتبه نام ایشان را تکرار کرده و فضایل بسیاری برای او بر می‌شمرد:

خداوند متعال در آیه شریفه ۷۵ سوره مائده او را به «صدیقه» ملقب فرموده، و در سوره مبارکه مؤمنون به عنوان آیت خدا معرفی شده و بالأخره در سوره انبیاء، مریم را به عفت و پاکی نام برده‌و او را در شمار انبیاء و پیامبران خود ذکر کرده و پس از این که نام شانزده نفر از انبیاء بزرگ خود را چون موسی و هارون و ابراهیم و لوط و اسحاق و یعقوب و دیگران را می‌برد در آیه ۹۱ همین سوره، حضرت عیسی (ع) را به وسیله مادرش معرفی کرده (خلیلیان، ۱۳۷۹) و او را با مادرش مریم (س) آیتی از آیات الهی قرار داده و چنین می‌فرماید:

«وَأَلَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۹۱)، «و به یاد آور زنی را که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در او دمیدیم و او و فرزندش را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم». قرآن در هیچ موردی درباره نشو و نمای مادران بزرگ سخن نگفته، مثلاً تجلیلی که از مادر موسی و مادر اسماعیل و مادر اسحاق و همسر فرعون می‌کند از دوران تولد و کودکی آن‌ها مطلبی مطرح نمی‌کند، «اما مریم را از زمان قبل از تولد زیر نظر دارد و لحظه‌های حساس کودکی او را طی آیاتی بازگو می‌کند، چرا که او خود آیتی است از آیات خدا و کسی که از دریچه قرآن، مریم را از دوران قبل از تولد و دوران کودکی و نوجوانی و بارداری و بکرزایی تا تربیت فرزندش که خود از رسولان اولوالعزم است، زیر نظر داشته باشد، خوب می‌فهمد که او از عجایب آفرینش و از شاهکارهای خلقت و از انسان‌های والا گهر و گرانقدر است (بهشتی، ۱۳۷۹). همچنین، برخی علما نیز معتقدند ذکر نام حضرت مریم (س) در ردیف بحث‌های مربوط به پیامبران بزرگ یا به خاطر فرزند او حضرت عیسی (ع) بوده و یا به جهت اینکه تولدش از جهاتی شبیه به تولد یحیی از زکریا بود و یا به خاطر آن است که روشن کند عظمت مقام، ویژه مردان بزرگ نیست بلکه زنانی هستند که تاریخشان نشان عظمتشان، الگو و اسوه‌ای برای زنان جهان بوده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷).

در روایت نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که: حضرت مریم (س) از نظر عفت و پاکی در مرتبه‌ای است که خدای تعالی در روز قیامت او را نمونه و حجت برای زنان قرار می‌دهد و به وسیله او بر سایرین احتجاج می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۹ق).

همچنین حضرت مریم (س) به عنوان یکی از چهار زن برگزیده جهان در روایات بیشماری نام برده شده است. به عنوان نمونه در این باب شیخ طبرسی روایتی از رسول خدا (ص) آورده است که فرموده: از مردان گروه بسیاری به کمال رسیدند، ولی زنان فقط چهار تن به کمال رسیدند (رسولی محلاتی، ۱۳۷۴).

- ۱- آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون
 ۲- مریم دختر عمران
 ۳- خدیجه دختر خویلد
 ۴- فاطمه دختر محمد (ص)

تنها بانویی که در قرآن کریم به نام خاص او تصریح شده و با کمال تجلیل از وی سخن به میان آمده است حضرت مریم (س) است. اینکه فرشتگان نزد حضرت مریم آمدند و خطاب به وی گفتند که ای مریم خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است: «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران / ۴۲) نشان می‌دهد که فرشتگان با مریم سخن می‌گفتند و لذا فرشتگان ممکن است با انسانی غیر از پیامبران نیز سخن بگویند و این جمله حاکی از محدثه بودن و مقام بلند مریم است؛ چرا که کسانی که کلام ملائکه را بشنوند و تردید نکنند که این کلام ملائکه است محدثند و تصریح بعضی از روایات، حضرت صدیقه فاطمه زهرا (س)، نیز محدثه بودند و فرشتگانی از جمله جبرئیل با وی سخن گفتند (سیوطی، ۱۴۲۱ق). از این رو، اگرچه این آیه گواه بر این است که مریم بزرگترین شخصیت زن در جهان خود بوده است لکن این موضوع با آنچه درباره فاطمه زهرا (س) رسیده است که او برترین بانوی جهان است منافات ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷).

زیرا در روایات متعدد این مضمون آمده که از پیامبر اسلام و امام صادق (ع) نقل شده: «اما مریم کانت سیده نساء زمانها اما فاطمه فهی سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین» (حویزی، ۱۴۲۸ق).

قرآن کریم از مریم همچنین به عنوان صدیقه یاد کرده است: «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ» (مائده/۷۵). سر اینکه مریم (س) صدیقه است، به خاطر این است که هنگامی که بشارتی از فرشته‌ها شنید تصدیق کرد. و دلیل طهارت و عصمت ایشان نیز این است که خداوند خواسته او را از هر گونه آلودگی دور و مطهر و طاهره گرداند تا بتواند مادر انسان کاملی چون مسیح باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۶).

عفت و پاکدامنی حضرت مریم (س)، امتیاز دیگری بود که خداوند متعال به ایشان بخشیده بود. اوج پاکدامنی ایشان زمانی است که مشغول شست و شوی بدن خویش بود و ناگهان جبرئیل را در شکل یک انسان زیبا دید و در حالی که ترسیده بود گفت: «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مریم/۱۸).

و حتی زمانی که جبرئیل خود را معرفی می‌کند در جواب می‌گوید: «أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي» (مریم/۲۰).

چنین زن پاکدامنی، شایستگی این را می‌یابد که مادر طفلی شود که وجودش یکی از تجلیات کمال روحانی مریم مقدس به شمار می‌آید و زنان جامعه بشری باید برای رسیدن به قرب الهی و درک کمالات معنوی و روحانی، این بانوی بزرگ را سرمشق خود قرار دهند. بانویی که خداوند او را در احراز شایستگی‌های معنوی بر بسیاری از مردان برتری داده است.

۳- حضرت خدیجه (س): حضرت خدیجه (س) نیز زنی پاکدامن و عفیف و از بازرگانان قریش بود که خداوند متعال در آیه ۸ سوره مبارکه ضحی و آیه ۱۰ سوره مبارکه واقعه به صورت کنایه از این زن بزرگوار در سرگذشت پیامبر گرامی اسلام (ص) یاد کرده است. «وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي» (ضحی/۸). که اشاره به بخشش همه اموال خدیجه (س) به حضرت محمد (ص) دارد (مجلسی، ۱۴۰۲ق: جلد ۱۵). و آنجا که می‌فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه/۱۰). منظور پیشقدمی خدیجه (س) در پذیرش اسلام است. حتی امام علی (ع) در یکی از سخنان خود می‌فرماید: «در آن روز اسلام، جز به خانه پیامبر و خدیجه راه نیافته بود و من دومین شخص این خانواده‌ام» (سبحانی، ۱۳۷۸).

حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین نمازگزار زن به پاک‌منشی و نجابت، شجاعت، کاردانی در امور اقتصادی و بازرگانی، یار و حامی مالی و مادیدین اسلام و پناهگاه یتیمان و درماندگان معرفی شده است. زنی پاکدل و با ایمان که برای پیامبر فرشته رحمت و به امّ المؤمنین شهره بود (سجادی، ۱۳۸۱). شخصیت کم‌نظیر حضرت خدیجه (س) در کمالات انسانی و ایثار و مقاومت، ایشان را در زمره عالی‌ترین الگوها برای مردان و زنان جویای حق و حقیقت قرار داده است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷).

کمالات انسانی و فضائل اخلاقی حضرت خدیجه (س) فقط منحصر به دوران بعد از ازدواج ایشان با پیامبر گرامی اسلام (ص) منحصر نمی‌شود بلکه خانه آن بزرگوار حتی پیش از آنکه با حضرت محمد (ص) ازدواج کند کعبه آمال و خانه امید مردم بینوا بود (سبحانی، ۱۳۷۷). هدف خدیجه (س) در تجارت، ثروت اندوزی نبود بلکه تا سر حد امکان به بینویان و درماندگان و یتیمان کمک می‌کرد به گونه‌ای که او را امّ الصعاليك و امّ الیتامی خواندند و سرانجام همه اموالش را در راه اسلام مصرف کرد (مجلسی، ۱۴۰۲: جلد ۱۶؛ محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷). حمایت‌های مادی و معنوی حضرت خدیجه (س) از پیامبر (ص) به نحوی بود که پیامبر (ص) از اموال ایشان، بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد و به بینویان و تهیدستان کمک می‌کرد. در ماجرای محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب که مدت سه سال به طول انجامید در ضمن روایتی آمده است که:

«وَأَنْفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَ خَدِيجَةُ جَمِيعَ مَالَهُمَا» ابوطالب و خدیجه همه اموال خود را برای حفظ اسلام و محاصره شدگان انفاق نمودند (مجلسی، ۱۴۰۲: جلد ۱۹).

صفات و فضایل حضرت خدیجه (س)، و ایثار و مقاومت پرصلابت ایشان در پاسداری از اسلام به حدی بوده که محققان اسلام در منزلت آن بانوی عظیم الشان چنین گفته‌اند: «و کانت خدیجه وزیرة صدق علی الاسلام و کان رسول الله یسکن الیها» (مجلسی، ۱۴۰۲: جلد ۱۶)، خدیجه وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا بوسیله (یاری‌ها و محبت‌های) او آرامش می‌یافت.

همچنین مقام بسیار ارجمند خدیجه (س) در منظر رسول اکرم (ص) چنان بود که فرمودند: «خیر نساءها خدیجه و خیر نساءها مریم ابنة عمران». «بهترین زنان دنیا خدیجه و

مریم دختر عمران است». یا بهترین زنان امت گذشته مریم و بهترین زنان این امت، خدیجه است (ورادی، ۱۳۷۸).

پیامبر اکرم (ص) در تفسیر آیه ۲۷ مطففین «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقْرَبُونَ» فرمود: از مردان بسیاری به حد کمال رسیدند و از زنان به درجه آخر کمال نرسیدند مگر چهار زن که عبارتند از: آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه (س) (طبرسی، ۱۳۷۹: جلد ۳۰).

و اما بزرگترین فضیلتی را که پیامبر (ص) به عنوان افتخارات خدیجه ذکر نموده است راجع به وجود حضرت فاطمه زهرا (س) بود. مادر حضرت زهرا (س) بودن، امّ ولایت بودن است که این افضل است برای ام المؤمنین بودن (رضائیان ریزی، ۱۳۷۹).

بنا بر آنچه اشاره شد، و آنگونه که قرآن بیان نموده است پاداش الهی و قرب به خداوند متعال به جنسیت مربوط نیست، بلکه به ایمان و عمل مربوط است و قرآن نیز در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن قدیسه یاد کرده و در تاریخ اسلام کمتر مردی به پای خدیجه می‌رسد و هیچ مردی جز پیامبر و حضرت علی (ع) به پایه صفت زهرا (س) نمی‌رسند و این چنین در تاریخ اسلام زنان قدیسه و عالیقدر فراوانند (مطهری، ۱۳۹۰).

۴- **حضرت فاطمه (س):** حضرت فاطمه (س) در آیات قرآنی جایگاهی ویژه و از مصادیق بارز و درخشان آیه مبارکه کوثر و تطهیر و از چهره‌های نمایان آیه شریفه مباحله است که محور و مرکز خاندان عصمت و طهارت است.

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرِينَ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر/ ۱ تا ۳)

بسیاری از بزرگان علمای شیعه، یکی از روشترین مصداق‌های کوثر را، وجود مبارک فاطمه زهرا (س) دانسته‌اند، چرا که شأن نزول آیه می‌گوید: که این «خیر کثیر» همان فاطمه زهرا (س) است. زیرا نسل پیامبر بوسیله همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۹).

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳).

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک

سازد.

در روایات است که این آیه در حق پنج نفر نازل شده است، رسول خدا (ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) (سیوطی، ۱۴۲۱ق: جلد ۶).

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَلِمْهُمْ فَنُجْعِلَ لِعَنْتِ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (آل عمران/۶۱).

هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند به آنها بگو: «بیایند ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می‌کنیم شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا بر دروغگویان قرار دهیم.

مفسران در تفسیر این آیه اتفاق نظر دارند که اَبْنَاءَنَا در آیه فوق به حسن و حسین و نِسَاءَنَا اشاره به فاطمه (س) و اَنْفُسَنَا اشاره به علی (ع) است (رازی، ۱۳۸۳).

علاوه بر این، در آیات سوره‌های مبارکه (شوری، آیه ۲۳ یا آیه مودت) (رحمن، آیه ۱۹) (انعام، آیه ۱۶۰) (نحل، آیه ۲۵) (فاطر آیات ۲۱، ۲۰، ۱۹ و ۲۲) (اسراء، آیه ۲۶) (ضحی، آیه ۳۰) (تکواثر، آیه ۸) (رعد، آیه ۲۸) (قصص، آیه ۶۸) (طه، آیه ۱۳۵) (نساء، آیه ۲۹) و آیات دیگر قرآن، به طور غیر مستقیم به منزلت حضرت فاطمه (س)، اشاره شده است.

امام صادق (ع) از پدرش نقل می‌کند، که پیامبر فرمودند: «خلق نور فاطمه (س) قبل از آن که تخلق الارض و السماء». نور فاطمه آفریده شد، قبل از آن که آسمان‌ها و زمین خلق گردد. بعضی از مردم پرسیدند: ای نبی خدا یعنی فاطمه از انس نیست؟ آن حضرت فرمودند: «فاطمه حوراء الانسیه» یعنی فاطمه حوریه‌ای است انسانی. پرسیدند: این چگونه می‌شود که حوریه‌ای به شکل انسان باشد. فرمودند: «خلقها عزوجل من نوره قبل ان یخلق آدم» (ابن بابویه، ۱۴۱۰ق).

هم چنین در روایتی از پیامبر است که فرمود: «خلق السموات و الارض من نور ابنتی فاطمه من نور الله». آسمان‌ها و زمین از نور دخترم فاطمه آفریده شدند و نور فاطمه از نور خداست.

پس با توجه به این مطلب می‌توان گفت که حضرت فاطمه (س) از همان ابتدای خلقت و آفرینش مورد عنایت و تأیید رب العالمین قرار گرفته بود که زمین و آسمان‌ها را بدین

عظمت و از نور وجود مقدس او آفرید. و شایستگی و فضیلت و برتری را بر دیگر خلائق دارد و آفرینش نورانی حضرت زهرا همسان دیگران نیست بلکه او را برگزیده انسان‌هایی است که همتایی در میان زنان برایش در هیچ دوره‌ای نبود و سرشت این بانوی نمونه، سرشتی مافوق خلائق است (حسینی، ۱۳۷۹).

در مقام و منزلت حضرت فاطمه (س) همین بس که در دنیایی که خشن‌ترین رفتارها نسبت به دختران اعمال می‌شد و زنده به گور کردن آن‌ها امری عادی و رایج بود، پیامبر (ص) ایشان را بسیار تکریم و احترام می‌نمود، هرگاه فاطمه (س) به حضرت رسول اکرم (س) وارد می‌شد، آن حضرت به او خوش آمد می‌گفت و پیش پای او برمی‌خواست. دست او را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند (مجلسی، ۱۴۰۲، ق، جلد ۴۳). گاهی پیامبر (ص) با جمله (فداها ابوها) یعنی پدرش فدای او باد علاقه عمیق خودش را به حضرت فاطمه (س) اظهار و ابراز می‌داشت و درباره او می‌فرمود: فاطمه پاره تن من است. حضرت فاطمه (س) مظهر کامل جلوه‌های فضیلت بود. رتبه‌اعلای این بانوی آسمانی تا به آنجا رسید که سرور کائنات و فخر اولیا، حضرت محمد مصطفی (ص) درباره او فرمود: «فاطمه قلب من است» این تعبیر و نظیر آن روشنگر این حقیقت است که فاطمه قله نشین سلسله جبال فضایل و برتری‌های عالم امکان بود و شباهت‌های زیادی به رسول خدا داشت. این شباهت به مسائل اخلاقی، رفتاری، سیره و سیمای او مربوط می‌شد. رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ تَمَرَةٌ قُوَادِي». او (فاطمه) پاره تن و نور چشم و میوه دل من است.

آیت‌الله حسن زاده آملی درباره عصمت حضرت فاطمه (س) بیان می‌کند: بدون هیچ دغدغه و وسوسه حضرت فاطمه (س) دختر پیامبر دارای عصمت بوده است و هیچ مرد صاحب عصمت را نمی‌یابی که زن او نیز صاحب عصمت باشد مگر امام علی (ع). و دلیل دیگر در مقام عصمت حضرت فاطمه (س) آیه ۳۳ سوره احزاب است که می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». مستند به این آیه شریفه، حضرت فاطمه (س) از هر گونه آلودگی اعتقادی، فکری، اخلاقی، رفتاری و گفتاری مصون بود و این همان مقام عصمت است (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹).

همچنین حضرت فاطمه (س) از علوم غیر اکتسابی برخوردار بود. ایشان تربیت شده رسول خدا (ص) بود و تمام علوم و معارف خود را مستقیماً یا بواسطه فرشته‌ها از خداوند دریافت می‌کرد. امام محمد باقر می‌فرماید: «والله لقد فطمها الله تبارك و تعالی بالعلم» به خدا قسم خدای تبارك و تعالی شیر علم را به او نوشاند (مجلسی، ۱۴۰۲ ق، جلد ۴۳). شیخ مفید در بیان مناقب آن حضرت به سند معتبر از امام محمد باقر (ع) روایت کرده‌اند که: حضرت رسول خدا فرمودند: «حق تعالی غضب می‌کند برای غضب فاطمه و خشنود می‌شود برای خشنودی او» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۰).

علی بن ابراهیم روایت کرده که حضرت رسول خدا (ص) فرمود:

هر که فاطمه را آزار دهد مرا آزار داده و هر که مرا آزار کند خدا را آزار داده و حق تعالی در باب ایدای علی (ع) و فاطمه (س) این آیه را فرستاده: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (احزاب/۵۷). یعنی (به درستی که آنان که ایداء می‌کنند خدا و رسول را، لعنت کرده خدا ایشان را در دنیا و آخرت و مهیا گردانیده است برای ایشان عذاب خوارکننده) (صدوق، ۱۳۸۵).

از حضرت صادق (ع) روایت شده که از آن حضرت سؤال کردند از معنی (حَيِّ عَلِيَّ خَيْرِ الْعَمَلِ) حضرت فرمود: یعنی بشنابید به نیکی کردن به سوی فاطمه و فرزندان فاطمه تا روز قیامت که آن بهترین اعمال است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۱). امام حسن عسکری می‌فرمایند: «ما حجت خداوند بر خلق هستیم و فاطمه حجت بر ماست» (طیب، ۱۳۷۸).

در مجموع سه ویژگی استثنائی حضرت زهرا (س) عبارت است از: ۱- دختر نبوت ۲- همسر ولایت ۳- مادر امامت (جوینی، ۱۳۷۶).

حضرت امام خمینی (ره) نیز شخصیت ملکوتی مادرش حضرت فاطمه زهرا (س) اینگونه بیان فرموده‌اند: «.... تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا (س) جلوه کرده بود. یک زن معمولی نبوده است، یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، او موجودی ملکوتی است که درعالم به صورت انسان متصور است، که درعالم به صورت

انسان ظاهر شده است، تمام هویت‌های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد تمام آن‌ها در این زن است.

زنی که تمام خاصه‌های انبیاء در اوست. زنی که اگر مرد بود نبی بود، به جای رسول الله بود...

معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی و جلوه‌های ملکی و ناسوتی همه در این موجود مجتمع است. زنی است به تمام معنا زن (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹).

بنا بر آنچه بیان شد، نیک مشخص است که همان گونه که حضرت محمد (ص) جامع تمام صفات پیامبران پیش از خود بود و بعد از او پیامبری نخواهد آمد که دارای همه صفات کامل باشد دختر ایشان (حضرت فاطمه (س)) نیز دارای تمام صفات زنان نمونه در تاریخ است و هیچ زنی پیدا نمی‌شود که این صفات و ویژگی‌های برجسته در او پیدا شود در واقع حضرت فاطمه (س) خاتم زنان نمونه در جهان است.

نتیجه‌گیری

از منظر قرآن کریم زن وظیفه شناس و پرهیزگار با مرد متقی و درستکار از نظر اسلام فرقی ندارند. زن در جامعه اسلامی می‌تواند مالک شود، در اموال خود تصرف کند، از خویشاوندانش ارث ببرد و حتی به طریق مشروع کسب و تجارت نماید. در تفکر قرآنی زن همپای مرد، تکامل‌پذیر و اوج‌گراست، در پرتو معرفت و عمل به معراج می‌رود و هر دو از نفس واحده آفریده شده‌اند و قرآن کریم هم در آیات متعدد این واقعیت را بیان کرده است و بر جایگاه انسانی زن و مرد به طور برابر تأکید می‌کند. "يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً" (نساء/۱) یعنی: ای مردم از پروردگارتان بترسید که همه شما را از نفس واحد آفرید و همسر او را نیز از جنس او آفرید. بنابراین اسلام هرگز زن و مرد را از یکدیگر جدا ندانسته و آنان را از یک منشأ و از یک جنس و یک وجود تلقی کرده است و برای هر کدام وجود و شخصیتی مستقل قائل شده است و هیچ‌گونه تفاوتی را در حیات و آفرینش آن‌ها نمی‌بیند

و برتری و امتیاز هر کدام از آن‌ها را فقط در تقوا می‌داند "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ". گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست (حجرات/۱۳). لذا هر کدام از زنان و مردان مقدس قرآنی می‌توانند الگوی همه بشریت اعم از زن و مرد باشند.

اگر چه امروزه الگوی غربی از زنان به واسطه تیغ تهاجم فرهنگی رنگ انسانیت زن را بریده، لکن اسلام و قرآن به جای حمایت از آرمان دوجنسیتی و تشویق الگوی جامعه‌پذیری مبتنی بر نفی جنسیت که مبنای چهره مطلوب زن غربی است، از الگوی تربیت ایمانی و اخلاقی مبتنی بر جنسیت که تنها روش ایجاد خانواده‌های لبریز از صفا و صمیمیت و همچنین جامعه‌ای سالم و مترقی است، حمایت می‌کند. به طور مثال در مورد روابط زناشویی، همه مردان و زنان را به برخورد بزرگوارانه و مراعات فضیلت‌ها سفارش می‌کند (بقره/۲۳۷).

همچنین با توجه به نقش حکومت‌ها در احقاق حقوق مردم و جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی، اسلام نیز به این موضوع توجه ویژه‌ای مبذول داشته و محافظت از جان و مال و ناموس مردم را بر عهده متولیان حکومت و قانون قرار داده است. به عنوان نمونه حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: "اگر مردی با زن خود بدرفتاری کرد، در حکومت اسلام او را منع می‌کنند؛ اگر قبول نکرد، تعزیر می‌کنند و اگر قبول نکرد، مجتهد طلاق می‌دهد". این در حالی است که همانطور که اشاره شد؛ زنان در غرب مدعی حقوق بشر، هر روزه مورد تجاوزات و خشونت‌های مختلفی قرار می‌گیرند.

لذا اسلام در همه ابعاد جایگاه زن را راهبردی و تصمیم‌ساز می‌داند و زمینه‌های اجرای امور را بر اساس همین نگاه پیش می‌برد و متکی بر همین الهیات غنی توحیدی، حضور زنان در جامعه ایران ویتربینی و نمونه‌برداری شده از مدل غربی نیست و نباید باشد. محل هیچ تردیدی نیست که دنیای غرب در زمینه حقوق زنان دو خطای استراتژیک مرتکب شده است. یکی نادیده گرفتن انسان بودن زن و دیگری زن بودن انسان است و تا زمانیکه این خطا حل نشود غرب همچنان به قهقرا خواهد رفت. مقام معظم رهبری بارها تأکید فرمودند که در مقابل مواضع غرب پیرامون مسائل زنان و حقوق زنان، ما در مقام دفاع نیستیم بلکه

در مقام سؤال از غرب هستیم (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳). امروز تفکر لیبرال سرمایه‌داری اصالت ماده و تبلیغ توسط استفاده ابزاری از زن را در رأس قرار می‌دهد و به اصالت اخلاق بی‌توجه است. الگوی فمینیستی عامل از بین رفتن تعادل معادله زن و مرد و خانواده در دنیای غرب است به نحوی که زن در جامعه غرب به عنوان ابزار تولید کننده، هزینه تبلیغ و مصرف افراطی شده است و به انگیزه حقوق سیاسی و اجتماعی به عرصه نیامده بلکه مورد استثمار قرار گرفته است (بستان، ۱۳۸۲). زن در جامعه غربی به بهانه استقلال اقتصادی بی‌پناه شده، به بهانه آزادی بی‌حرمت شده و به بهانه عدالت و مساوات به یک انسان درجه دو تبدیل شده است و این در حالی است که نسخه فرازمانی و فرامکانی نگاه اسلام به زن برای تمام اعصار تاریخی ارائه شده است. نخستین بار زن مجاهد سیاسی توسط اسلام به دنیا معرفی شد و اسناد تاریخی مصداق حضور زن مجاهد در صدر اسلام موجود است (جعفریان، ۱۳۸۷)، این موضوع نشان از حقوق برابر مردان با زنان دارد. نسخه‌های حقوق بشری ضد اخلاق و سودمحور غربی، بارها زن مسلمان را به دلیل داشتن حجاب خانه‌نشین کرده و از کلیه حقوق اجتماعی سیاسی فرهنگی و اقتصادی که یک زن مسلمان در کشورهای غربی باید دارا باشد محروم کرده است. این در حالی است که اسلام، حجاب زن مسلمان را دلیل محکم برای وجوب حجاب، چیزی جز حضور زن فعال سازنده در جامعه نمی‌داند. لذا تفکر غربی یک مهندسی پیچیده ضد اخلاق و سودمحور است که زن زیر چرخ توسعه آن له شده است.

آنچه امروز به عنوان الگوی مطلوب از حضور و وجود زن در عرصه‌های مختلف به عنوان یک الگوی جهانی به جوامع بشری دیکته می‌شود یک الگوی کاملاً غربی است که به دلیل نداشتن منازع خود را به عنوان یک الگوی جهانی معرفی کرده و غرب با تکیه بر ابزارهای اطلاعاتی و تکنولوژیکی تحت سیطره و در خدمت منافع نظام سرمایه‌داری، به دنبال پیشبرد اهداف انحرافی و انسان‌گرایی خود درباره موضوع زن در جهان است.

اگرچه وسایل ارتباطی تحت سیطره غرب، امروزه به سطحی رسیده است که هرکس همه را می‌بیند، همه چیز را می‌داند و همچنین به آنچه او را از دیگران جدا می‌کند کاملاً آگاهی دارد اما این تحول عظیم تکنولوژیکی که بارزترین خصیصه آن از بین بردن

محدودیت مکان و زمان است فرصت‌های منحصر به فردی را هم می‌تواند برای بازنمود فرهنگ غنی اسلامی به وجود آورد. به عنوان نمونه می‌توان در قالب‌های مختلف اعم از انجام پژوهش‌های ناب، برگزاری کنفرانس‌ها، ایجاد وب‌سایت‌ها و سایر فعالیت‌ها علاوه بر پاسخگویی به این اتهامات به بازنمایی هویت زن مسلمان و زن مقدس قرآنی به عنوان الگویی ناب برای به کمال رسیدن زنان جامعه بشری و ایضاً مردان پرداخت.

به هر حال، آنچه از بررسی شخصیت زنان مقدس قرآنی و تبیین این الگو از جانب خداوند متعال در قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) استنباط می‌شود این است که همان‌گونه که مردان می‌توانند به کمالات بسیاری دست یابند زنان نیز چنین هستند و ارائه الگوهایی همچون حضرت آسیه (س)، حضرت مریم (س)، حضرت خدیجه (س) و حضرت فاطمه (س)، گواه و دلیل مستند، مستدل و محکمی بر تأیید این مطلب است. نکته قابل توجه اینکه خداوند متعال این زنان مقدس قرآنی را نه تنها الگو و نمونه‌ای برای زنان بلکه برای همه مؤمنین حتی مردان آورده است. بی‌تردید می‌توان این الگوهای مقدس قرآنی را به عنوان بدیلی شناخت‌شناسانه در برابر الگوی معرفی شده غربی که زن را برای جلب و انگیزش غریزه جنسی و تحریک مردان و یا ایجاد جذابیت برای سایر زنان دیگر و برانگیختن هیجانان جنسی بر ساخته می‌کند، معرفی نمود.

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته ناشی از فناوری ارتباطات جهانی در صدد جهانی کردن اندیشه‌های ناب اسلام محمدی (ص) در تمامی زمینه‌هایی که غرب داعیه‌دار آن شده و به ویژه موضوع زنان باشد تا هویت‌های فرهنگی، دینی و اخلاقی اسلام بر بستر جهانی با نگاه قرآنی شکل گیرد و از انتشار الگوها و سبک زندگی غربی و عمدتاً آمریکایی توسط رسانه‌های فرهنگی قدرتمند آن‌ها به سایر کشورها و به ویژه جمهوری اسلامی ایران ممانعت به عمل آید. همچنین بر همه مردان و زنان ایران اسلامی فرض است تا در نظام اسلامی که شجره طیبه‌اش در بلد الطیب «مدینه الرسول» ریشه دارد و از شراب طهور کوثر نبوت آبیاری شده است، به جایگاه والای زنان مقدس قرآنی بیاورند و در صحنه‌های پاسداری از فضیلت و دیانت، خود را به کلاس انسان‌ساز قرآن کریم بکشانند ان شاء الله.

منابع

- قرآن کریم. مترجم ناصر مکارم شیرازی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی،
ابن بابویه قمی، علی بن حسین. (۱۳۸۰). *عیون اخبار الرضا*. ترجمه حمیدرضا مستفید و علی
اکبر غفاری. چاپ اول، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی.
- ابن بابویه قمی، علی بن حسین. (۱۴۱۰ ق). *معانی الاخبار*. بیروت: چاپ اول، انتشارات
الاعلمی للمطبوعات.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۱). *مناقب آل ائمه*. قم: انتشارات مصطفوی.
- ارسطو. (۱۳۵۸). *سیاست*. ترجمه حمید عنایت، تهران: کتاب‌های جیبی.
- اسلامی فرد، زهرا. (۱۳۷۹). *زنان اسوه در قرآن*. چاپ اول، تهران: انتشارات فردا به تهران.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۳). *روانشناسی رابطه‌ها*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه
تهران.
- امام خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۳). *بیانات در دیدار با جمعی از بانوان برگزیده کشور*.
۱۳۹۳/۱/۳۰
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۹). *سیمای زن در کلام امام خمینی*. چاپ سوم، قم: انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد.
- امیرعباسی، فاطمه. (۱۳۹۱). «سازوکار بررسی دوره‌ای جهانی (UPR) شورای حقوق بشر
(ابزاری برای جهانی شدن حقوق بشر)». *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*،
سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۰۱-۱۲۳.
- بحرانی، هاشم. (۱۴۱۹ ق)، *البرهان*. چاپ اول، بیروت: انتشارات الأعلی للمطبوعات.
- بستان، حسین. (۱۳۸۲). *نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم*. چاپ اول، قم:
مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- به پژوه، احمد. (۱۳۸۶). *خانواده و جهانی شدن، جهانی شدن و آسیب‌شناسی خانواده*.
تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- بهشتی، احمد. (۱۳۷۹). *عیسی پیام آور اسلام*. چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.

- جعفری، محمدجعفر. (۱۳۴۴ق). آفرینش و انسان. تهران: نشر مطبوعات دار التبلیغ اسلامی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). تاریخ سیاسی اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). زن در آئینه جمال و جلال. تهران: انتشارات فرهنگ رجاء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۶). سیره پیامبران در قرآن. چاپ اول، قم: انتشارات اسراء.
- جویباری، محمود. (۱۳۷۶). شکوفه عصمت. چاپ دوم، قم: انتشارات نبوی.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۹). شرح فص الحکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیه. تهران: انتشارات سنا.
- حسینی، مجتبی. (۱۳۷۹). مقامات اولیاء. چاپ دوم، تهران: انتشارات نیستان تهران.
- حویزی، عبدالعلی. (۱۴۲۸ ق). نورالتقلین. تحقیق سید علی عاشور. بیروت: انتشارات موسسه التاريخ العربی.
- خامنه‌ای، سید محمد. (۱۳۸۸). حقوق زن. تهران: نشر سپهر.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۹). دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی. چاپ اول، تهران: انتشارات ناهید.
- خلیلیان، خلیل. (۱۳۷۹). سیمای زن در قرآن و زنان بزرگ صدر اسلام. چاپ دوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی تهران.
- دورانت، ویل. (۱۳۹۱). تاریخ تمدن. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- دوست محمدی، هادی. (۱۳۸۸). شخصیت زن از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- رازی، فخرالدین. (۱۳۸۳). تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب). ترجمه علی اصغر حلبی. چاپ اول، تهران: انتشارات دارالفکر.
- رسولی محلاتی، هاشم. (۱۳۷۴). تاریخ انبیاء. چاپ هشتم، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- رضائیان ریزی، وحید. (۱۳۷۹). ریحانه خانه وحی از ولادت تا ازدواج. چاپ اول، بی‌جا: انتشارات نصایح.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۷). فروغ‌ابدیت. چاپ چهاردهم، قم: انتشارات تبلیغات اسلامی

سبحانی، جعفر. (۱۳۷۸). *فرازهایی حساس از زندگی امیرالمومنین علی (ع)*. تهران: انتشارات جهان آرا.

سجادی، محمد تقی. (۱۳۸۱). *فاطمه الزهراء*. قم: انتشارات الزهراء.
سیوطی، جلال الدین (۱۳۸۶). *الاتقان فی علوم القرآن*. ترجمه محمود دشتی. چاپ دوم، قم: انتشارات دانشکده اصول الدین قم.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ق). *در المنثور*. بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

صدر، حسن. (۱۳۸۵). *حقوق زن در اسلام و اروپا*. چاپ نهم، تهران: نشر جاویدان
صدوق، محمد بن علی قمی. (۱۳۸۵). *خصال*. ترجمه محمدباقر، کمره‌ای. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات مدرسه حضرت عبدالعظیم.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۸۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. چاپ ششم، قم: انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
طبرسی، ابوالفضل بن حسن. (۱۳۷۹). *مجمع البیان*. ترجمه علی کرمی. تهران: انتشارات فراهانی.

طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان*. چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۰). «حرکت و کار در اندیشه و آیین‌های ایرانی و یونانی (بستگی‌های کار و نظام اجتماعی در فلسفه و ادیان "ایرانی - اسلامی" و یونانی و یهودی - مسیحیایی)». *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۸، شماره ۵۵، صص ۱-۵۷.

کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹). *عصر اطلاعات، قدرت هویت*. ترجمه حسن چاوشیان. چاپ ششم، تهران: طرح نو.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۲ ق). *بحار الانوار*. چاپ سوم، بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.

محمدی اشتهااردی، محمد. (۱۳۷۷). *حضرت خدیجه اسطوره ایشار و مقاومت*. چاپ اول، تهران: انتشارات نبوی.

محمدی گرمساری، علی. (۱۳۶۰). *زن و حقوق آن از دیدگاه دکتر بهشتی*. مشهد: نشر موسسه قدس، چاپ نمونه.

مشگی، الناز. (۱۳۹۱). «راهبردهای مقابله با چالش‌های فراروی کارکرد خانواده در عرصه جهانی شدن». فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۸۰-۱۵۹.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ چهل و سوم، قم: نشر صدرا. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). نمونه. چاپ سی و پنجم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

مکنون، ثریا و صانع‌پور، مریم. (۱۳۷۴). *بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و تطبیق الگوی صدر اسلام با جامعه کنونی*. چاپ پنجم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

موحدی، الناز. (۱۳۸۰). *زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها*. مجموعه مقالات مرکز امور مشارکت زنان، تهران: انتشارات برگ زیتون.

نقبایی، حسام. (۱۳۴۲). *سیر تکامل حقوق زن در تاریخ*. تهران: نشر بدیع. واردی، تقی. (۱۳۷۸). *خاندان عصمت*. چاپ اول، قم: انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

وکیلی، الهه. (۱۳۹۰). *زن در آینه قرآن و آیین‌های زردشت، یهود و مسیح*. چاپ پنجم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.